

روش و روش شناسی در تحقیقات علوم اجتماعی و علوم انسانی

مقدمه

«روش» یا method به معنای «در پیش گرفتن راه» است، چرا که meta یعنی «در طول»، و odos یعنی «راه». «روش» عبارت است از فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دست یابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به واسطه روش می توان از طریق عقل یا غیر آن واقعیت ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند.

در معنایی کلی تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه طریقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می کند اطلاق شود (۷).

مقصود از «روش شناسی» (۸) در این جا، شناخت و بررسی کارآمدی ها و ناکارآمدی های روش های گوناگون است. اگر به کارگرفتن روش را دانشی درجه اول (۹) محسوب کنیم، تحلیل و بررسی خود روش ها، دانشی درجه دوم (۱۰) محسوب خواهد شد.

هفت معنای روش و روش شناسی

وقتی از روش و واژگان مربوط به آن استفاده می کنیم، باید توجه داشته باشیم که در مورد کدام سطح از روش سخن می گوئیم. واژه روش و مشتقات آن ممکن است در هفت معنا یا سطح به کار رود (۱۱):

۱. روش معرفت: اگر روش تاریخی و نقلی را جدا فرض کنیم، پنج روش معرفت خواهیم داشت: روش تاریخی، روش نقلی، روش فلسفی، روش شهودی و روش تجربی.

۲. نوع استدلال: گاهی روش به معنای نوع استدلال به کار می رود. از این حیث روش می تواند قیاسی یا استقرایی، لمّی یا انّی یا غیر آن باشد.

۳. روش های فنون گردآوری اطلاعات: برای جمع آوری اطلاعات از چهار روش عمده می توان بهره برد: روش مشاهده، روش پرسش نامه، روش مصاحبه و روش کتابخانه ای. به معنای دقیق کلمه، اینها فن (۱۲) تحقیق هستند، نه روش تحقیق.

۴. روش تحلیل داده ها: پس از گردآوری اطلاعات، نوبت به تحلیل آنها می رسد. روش تحلیل داده ها می تواند کلاسیک یا آماری باشد

۵. سطح تحلیل: معمولاً در پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها از روش توصیفی - تحلیلی و امثال آن نام می‌برند. این معنای روش به سطح تحلیل نظر دارد. روش تحقیق به این معنا در نگاه کلی خود به دو روش توصیفی (به معنای اعم) و هنجاری تقسیم می‌شود.

۶. نوع نگاه به موضوع: محقق علاوه بر روش‌های گردآوری و روش تحلیل داده‌ها، به معنای دیگری نیز می‌تواند از روش پژوهش خود نام ببرد. پژوهشگر به موضوع مورد مطالعه خود می‌تواند با دید پدیدارشناسانه یا ساختارگرایانه یا هرمنوتیکی و امثال آن بنگرد.

۷. روش‌شناسی: در معنای آخر، روش‌شناسی به عنوان دانشی درجه دوم قرار دارد، که از دیدگاهی بالاتر به روش‌های تحقیق به عنوان دانشی درجه اول می‌پردازد.

ظاهراً برای سطح اول و دوم، اصطلاح انگلیسی *method*، برای سطح سوم *technique*، برای سطح چهارم تا ششم *research method*، و برای آخرین سطح *methodology* را به کار می‌برند. در سطح اول می‌توان از پنج نوع روش سخن گفت. روش معرفت‌ممکن است فلسفی (عقلی)، علمی (تجربی)، شهودی یا نقلی باشد. در روش عقلی با استعانت از قیاس یا استقرا، صغرا و کبراهای منطقی تشکیل می‌شود. قیاس ممکن است شکل برهانی (با مواد یقینی و بدیهی)، جدلی (با استفاده از مقبولات)، خطابی (مشهورات)، شعری (تخیلی) یا مغالطی داشته باشد. روش علمی در صدد است همواره از مراحل مشخص زیر گذر کند: مشاهده، طبقه‌بندی مشاهدات، فرضیه‌سازی، آزمایش، و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور اثبات یا رد فرضیه. در این روش، باید اثبات یا رد فرضیه‌ها از طریق تجربه امکان‌پذیر باشد، تعیین رابطه میان علت و معلول از طریق آزمون ارتباط میان متغیرها عملی شود و همه افراد بتوانند بر اساس آن روش به نتیجه واحدی برسند. فرآیند و مراحل روش علمی عبارت است از: طرح و بیان موضوع یا سؤال مورد نظر، بررسی و ارزیابی اطلاعات موجود، تعیین جامعه مورد مطالعه، تعیین روش جمع‌آوری اطلاعات و اجرای پژوهش، استخراج و جدول‌بندی و محاسبات آماری، و بالأخره تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج.

روش شهودی دو کاربرد متفاوت در عرفان و علوم انسانی دارد. عرفایی که روش‌های تجربی و عقلی را ناکافی می‌دانند، سه مرحله برای روش شهودی معرفی می‌کنند: مشاهده، مکاشفه و محاضره. روش شهودی در علوم انسانی در مقابل روش‌های تحصیلی و اثباتی قرار می‌گیرد. تأویل‌گرایی و روش تفهیمی در نقد اثبات‌گرایی مطرح شده‌اند (۱۳).

روش نقلی دو معنا دارد. این روش به معنای اعم، شامل روش تاریخی نیز می‌شود. روش نقلی به معنای خاص، یکی از روش‌های دینی به حساب می‌آید. در علم فقه با مبنا قرار دادن منابع دینی (قرآن و سنت)، سعی می‌شود قول شارع مقدس از طریق روش نقلی کشف شود (۱۴).

کاربرد روش به معنای دوم (نوع استدلال) در ارتباط مستقیم با معنای اول است، چرا که به طور مثال، روش تحقیق فلسفی نوع استدلال قیاسی، و روش تحقیق تجربی نوع استدلال استقرایی را می‌طلبد.

همان‌گونه که گفته شد، سطح سوم بهتر است فن تحقیق نامیده شود. دانش پژوه در متن تحقیقی خود هم به فن تحقیق و هم به روش تحقیق به معنای چهارم و پنجم اشاره می‌کند. فن مشاهده و پرسش‌نامه و مصاحبه در جامعه‌شناسی و مطالعات تجربی، و فن

کتابخانه ای در تحقیقات بنیادین و اندیشه ای کاربرد دارد. در روش تحلیل داده ها (کاربرد چهارم) نیز این مسأله وجود دارد. به قول موریس دوورژه روش کلاسیک از روش های نقد ادبی و نقد تاریخی مشتق شده اند و برای تحلیل درونی اسناد به کار می روند، در حالی که روش آماری و کمی به علمی همچون اقتصاد و جامعه شناسی یا تحلیل کمی متن اختصاص دارد (۱۵). در سطح پنجم، روش توصیفی به معنای اعم خود به روش توصیفی به معنای اخص، روش تحلیلی و روش نقدی تقسیم می شود. روش توصیفی به معنای اخص نیز به توصیف مشاهدتی و توصیف تحلیلی یا تبیین منقسم می گردد. ما در توصیف مشاهدتی تنها مشاهدات خود را بدون هیچ گونه تحلیل یا نقدی بیان می کنیم؛ البته توصیف و تبیین اموری اضافی هستند، به این معنا که هر تبیینی نسبت به تبیین فراتر خود نوعی توصیف محسوب می شود. هدف تبیین، یافتن علل پدیده ها، و هدف تحلیل، یافتن پیش فرض ها و آثار و نتایج مترتب بر یک رأی است. در نقد - بر خلاف تحلیل - به داوری نظری و عملی موضوع می پردازیم. نقد نظری به مطابقت مسأله با واقع، و نقد عملی به آثار و نتایج فردی و اجتماعی آن مربوط می شود. تحقیق هنجاری به ارائه بایدها و نبایدها می پردازد (۱۶). در خصوص روش تحقیق در حد نگارش پایان نامه و رساله باید اذعان کرد که روش واحدی وجود ندارد. این مسأله به اختلاف نظر در فلسفه علم و روش شناسی برمی گردد؛ به طور مثال، اثبات گرایان، روش تحقیق و فرضیه های اثباتی را توصیه می کنند، در حالی که نقادان آنها به این گونه سخت گیری ها معترضند. در ایران هم این اختلاف نظر در سلايق اساتید درس روش تحقیق و طرح های تحقیقاتی پایان نامه های دانشگاهی و غیر دانشگاهی ملاحظه می شود. برخی اساتید حتی در مباحث اندیشه ای ذکر کردن فرضیه و متغیر مستقل و وابسته را لازم می دانند، در حالی که برخی دیگر حتی بر نوشتن فرضیه نیز اصرار ندارند! در سطح ششم، از روش به عنوان نوع نگاه به موضوع سخن می گوئیم؛ به طور مثال، دید ما به موضوع می تواند پدیدار شناختی یا هرمنوتیکی باشد. به دلیل اهمیت این معنای روش شناسی، سعی می کنیم به شکل گذرا به کاربرد آن در علوم سیاسی اشاره کنیم. رفتارگرایی، تمثیل و تجلی معرفت شناسی اثبات گرایانه در علوم اجتماعی است. اهمیت رفتارگرایی در آن است که علی رغم متحمل شدن نقدهای پیاپی و شدید، هنوز هم الگوی غالب در علوم اجتماعی و علوم سیاسی محسوب می شود. بر اساس تاریخ گرایی، اندیشه ها به هم پیوسته اند و گسستی بین آنها مشاهده نمی شود. بدین جهت می توان روش شناسی تاریخ گرایی را نقطه مقابل ساختارگرایی و نظریه گفتمان قرار داد. روش فوکو از این جهت در مقابل روش هگل قرار می گیرد که به تداوم سنت ها در تاریخ اعتقادی ندارد. استفاده هابرماس از هرمنوتیک انتقادی جهت اثبات رهایی، و نیز تفاوت های روش شناسانه او با فوکو حائز اهمیت است. روش تفهیمی به بخشی از دانش های سیاسی مربوط می شود، نه به همه آنها. این روش به فهم اعمال و افعال سیاسی مربوط می شود، نه به فهم اندیشه سیاسی. پدیدارشناسی نیز هرچند ظاهراً "در علوم سیاسی به نحو مستقیم مورد استفاده روش شناسانه قرار نگرفته است، ولی تأثیر رگه های آن در هرمنوتیک و پسامدرنیسم قابل پی گیری می باشد.

ساختارگرایی نیز روش شناسی خاص خود را داراست. ساختارگرایان که از کل به هم پیوسته سخن می گویند، در کشف و مشاهده «ساخت» (۱۷) در پس واقعیت اجتماعی کوشش می کنند. مفروضه تغییر ناپذیری ساخت ها، خواه ناخواه ایشان را به نوعی جبرگرایی (۱۸) سوق می دهد. بدون شک در این بحث لازم است بین اقسام ساختارگرایی به ویژه ساختارگرایی آمریکایی و ساختارگرایی فرانسوی تمایز قائل شویم. چهار روش گفتمان، دیرینه شناسی، تبارشناسی و شالوده شکنی، زیرمجموعه روش های پسامدرن قرار می گیرند؛ هرچند برخی از آن روش ها همانند گفتمان در مقابل فراتجددگرایی نیز سابقه دارند. بررسی این روش ها هم از جهت به چالش کشیدن روش شناسی های مدرن، و هم از جهت امکان استفاده آنها در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی حائز اهمیت است. در سطح هفتم به روش شناسی به عنوان دانشی درجه دوم می پردازیم. موضوع دانش درجه دوم، دانشی دیگر است. در این جا نیز روش ها یا روش تحقیق های مختلف، موضوع روش شناسی قرار می گیرند.

روش شناسی و رابطه آن با دیگر دانش ها

به نظر می رسد در باب معنای روش شناسی و رابطه آن با دیگر دانش ها ابهاماتی وجود داشته باشد: بعضی روش شناسی را مبحثی نظری می دانند که با تعقل، منطق و فلسفه پیوسته است. بعضی دیگر روش شناسی را از فلسفه جدا دانسته، آن را یک رشته علمی می دانند. بالأخره بعضی دیگر در این راه (علمی دانستن روش شناسی و جدا سازی آن از فلسفه) بیشتر تأکید دارند. آنان ضمن پذیرش منطق، فلسفه و به طور کلی تعقل در کار روش و احراز شناخت، معتقدند باید با مباحث ملموس و پدیده های حیات انسانی تماسی نزدیک تر برقرار سازیم (۱۹).

به هر حال نباید فراموش کرد که موضوع روش شناسی، روش ها هستند و بدین جهت از نظر معرفت شناختی، رتبه روش شناسی یک مرتبه بالاتر از موضوع خود است. روش شناسی به مطالعه روش های علوم، مقایسه و یافتن محدودیت ها و نقاط ضعف و قوت آنها می پردازد. قابل توجه است که کتاب منتشر شده در یکی از دانشگاه های کشورمان، روش شناسی را معادل فلسفه علم به کار برده (۲۰) و سپس هر دو را معادل علم شناسی و شناخت شناسی معرفی می کند (۲۱).

فیلیسین شاله در تعریف روش شناسی می گوید:

فلسفه علمی را منطق عملی یا متدلوژی (شناخت روش) نیز می توان نامید. این فلسفه قسمت مهم منطق است که خود، مطالعه حقیقت و علم قوانین استدلال است. متدلوژی، یعنی مطالعه نفسانیات عالم با روش صحیح. متدلوژی علمی است دستوری، زیرا برای فکر، قواعدی مقرر می دارد و تعیین می کند که انسان چگونه باید حقایق را در علوم جستجو کند (۲۲). بر این اساس، روش شناسی بخشی از منطق عملی است، زیرا این بخش منطق، ابزارها و شیوه هایی را برای رسیدن به حقیقت معرفی می کند. هرچند این نحوه نگرش دستوری در خصوص روش شناسی و فلسفه علمی مدت ها پذیرفته شده بود، اما رویکرد جدید در فلسفه علم و روش شناسی آن را به مثابه شاخه ای از علوم تحلیلی و توصیفی تلقی می کند، که درصدد است خود را از «دستور» و «تجویز» برحذر دارد. روش شناسی، شاخه ای از فلسفه علم است؛ به بیان دیگر، فلسفه علم شامل مباحثی دیگر، غیر از روش شناسی نیز می شود. جهت تمایز مفهومی روش شناسی با دیگر مفاهیم مربوط، باید تفاوت آن را با روش، روش تحقیق، فلسفه علم، منطق و معرفت شناسی، بحث کرد. رابرت برگس ضمن اذعان به مبهم بودن تعاریف اصطلاحات فوق می گوید: اصطلاح «روش» به شکل وسیعی در تحقیقات اجتماعی به کار می رود. برخی اصطلاحات ناظر به دو اصطلاح مبهم «روش شناسی پژوهش» و «روش تحقیق» (۲۳) هستند. روش تحقیق به عملیات معطوف به واقعیت ویژه ای اشاره دارد که در خصوص داده (های اجتماعی) صورت می گیرد. در علوم اجتماعی دامنه وسیعی از روش ها ممکن است مورد استفاده قرار گیرند. این روش ها در خصوص علوم اجتماعی توسط واس (۲۴) (۱۹۸۶) بدین ترتیب تلخیص شده است: روش های تجربی، (۲۵) روش های پیمایشی (۲۶) و روش های نمونه پژوهی. (۲۷) ما باید به این لیست روش های آسنادی و تاریخی (۲۸) را نیز بیفزاییم. روش اول تأثیر یک متغیر را بر متغیر دیگر مورد بررسی قرار می دهد. روش دوم که احتمالاً عمومیت بیشتری در پژوهش های اجتماعی دارد، ممکن است از روش مصاحبه یا پرسش نامه بهره برد. نوع سوم از مشاهده و یا روش های غیر ساختاری مصاحبه و پرسش نامه استفاده می کند. روش اخیر از منابع و اسناد تاریخی و شفاهی بهره می جوید. به مجموعه فوق باید روش ترکیبی را نیز افزود (۲۹).

روش‌شناسی از نظر معرفتی مادون فلسفه دانش (۳۰) و فلسفه علم (۳۱) قرار دارد، هرچند طبق استدلال فوق بالاتر از روش تحقیق قرار می‌گیرد.

اهمیت روش‌شناسی در علوم مختلف شناخت روش‌ها در هر علمی، امری بایسته به نظر می‌رسد. برخی دانشمندان تمایز علوم را به روش دانسته و موضوع یا غایت را متمایز کننده علوم ندانسته‌اند. نکته مهم این است که روش در هر علم و مکتب و نظریه‌ای، نقش کلیدی دارد. حتی می‌توان گفت بحث روش در مکاتب فلسفی و مکاتب فلسفه علم نیز محور دیگر مباحث می‌باشد. هر پژوهش مکتوب یا تفکر نانوخته‌ای خواه ناخواه روشی دارد. اگر فکر را به «حرکتی به سوی مبادی، و از مبادی به سمت مقصد» (۳۲) تعریف کنیم، بدون شک این حرکت دو قسمتی، همراه با روش است. پژوهشگر ممکن است به روش خود تصریح نکند، همان‌گونه که معمولاً این چنین است. پنهان نگاهداشتن روش معمولاً به نفع مؤلف و متفکر تمام می‌شود، چرا که در درجه اول مشقت تحریر و تدوین روش از دوش او برداشته می‌شود. و از طرف دیگر، تصریح به روش ممکن است محدودیت‌هایی برای او به همراه داشته باشد. در اغلب موارد، نظریه پردازان حرفه‌ای از نظر روان‌شناختی سعی می‌کنند از روش‌های خاص خود، همانند سلاح‌های راهبردی و اتمی، حفاظت کنند و تنها در مواقع ضروری آنها را به کار گیرند.

هر روشی به مقتضای ماهیت خود، محدودیت‌هایی دارد. هیچ روشی به شکل مطلق خوب یا بد، کامل یا ناقص، و یا ممدوح یا مذموم نیست. همه روش‌ها از جهاتی دارای نقاط مثبت، و از جهاتی دیگر دارای نقاط منفی‌اند. این احتمال هم وجود دارد که روشی خاص در ارتباط با شرایط یا موضوعی ویژه، کارآمدی بیشتری داشته باشد؛ به طور مثال، روش قیاسی بیشتر از روش استقرایی با علم فلسفه سازگاری و هماهنگی دارد. از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که در درجه اول، هر علم یا اندیشه‌ای، روشی دارد، و در درجه دوم، هر روشی از محدودیت‌ها و کارآمدی‌هایی برخوردار است.

از جمله فواید تصریح به روش این است که شخص با احاطه به جوانب موضوع، از مطلق‌گرایی دور و به نسبی‌گرایی روش‌شناختی نزدیک می‌شود. روش هیچ مکتبی به شکل مطلق، کامل و بی‌نقص نیست و همواره با چالش‌ها و کمبودهایی رو به رو است. امروزه کثرت‌گرایی روش‌شناختی (۳۳) بر این اساس مقبولیت وسیعی پیدا کرده است.

پی‌نوشت و منابع

۷. باقر ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵) ج ۱، ص ۲۴.

8methodology

9first order

10 second order

۱۱. سید صادق حقیقت، «بر حاشیه روش تحقیق در علوم سیاسی»، دانش پژوهان، ش ۱ (نیمسال دوم ۸۱-۸۲) ص ۳۳-۴۲.

12 technique

۱۳. عباس جوار شکیان، «مبانی نظری روش‌های تحقیق در علوم انسانی»، مجله مصباح، سال اول، شماره صفر (زمستان ۱۳۷۰).

۱۴. ر.ک: مصطفی ملکیان، «روش‌شناسی در علوم سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۴ (تابستان ۱۳۸۰).

۱۵. موریس دوورژه، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲) ص ۱۰۴-۱۱۶.

۱۶. مصطفی ملکیان، پیشین.

17structure

18determinism

۱۹. باقر ساروخانی، پیشین، ص ۴-۲۳.

۲۰. همو، فلسفه علم و متدلوژی (تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۸۰) ص ۷، ۱۳ و ۲۳ (و نقد آن در: سعید ناجی، «نقد کتاب فلسفه علم و

متدلوژی»، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۳۴ (بهار ۱۳۸۲) ص ۱۵۵ - ۱۷۰.

۲۱. همان.

۲۲. ر.ک: فیلیسین شاله. شناخت روش علوم یا فلسفه علمی، ترجمه یحیی مهدوی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰) ص ۶-

۲۲.

23 Research method.

24 Vaus.

25 Experimental methods.

26 Survey methods.

27 Case study methods.

28 Documentary and historical methods.

29 See: Adam Kuper and Jessica Kuper, The Social Science Encyclopedia (London:

Routledge, 1996) pp. 533-536.

30 philosophy of Knowledge.

31 philosophy of Science.

۳۲. ملا هادی سبزواری، منطق منظومه (قم: مصطفوی، بی تا) ص ۹. الفکر حرکة الی المبادی ومن مبادی الی المراد

33 methodological Pluralism.

این مطلب از سایت پژوهه در تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۹ به آدرس زیر برداشته شده است:

http://pajooh.e.ir/%D8%B1%D9%88%D8%B4-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-methodology_a-42697.aspx